

گزارش

قطب گردوی کشور همچنان دست به گریبان خشکسالی

■ **مهر:** شهرستان بوئات در استان فارس که از جمله قطب‌های تولید گردوی کشور محسوب می‌شود امسال نیز دست به گریبان خشکسالی و تأثیرات ناشی از آن به سر می‌برد به طوری‌که معاش مردم منطقه را نیز در خطر قرار داده است.

شهرستان بوئات فارس که قطب گردوی کشور است طی چند سال گذشته دستخوش مشکلات زیادی ناشی از خشکسالی شده به گونه‌ای که در سال گذشته دوهزار و ۵۰۰ هکتار از درختان گردو در این شهرستان خشک شد.

در این مدت درختان گردو که برخی از آنها قدمت ۵۰ تا صد ساله نیز داشتند به دلیل خشکسالی از بین رفته و چوب برخی از این درختان به تجاری‌ها داده شد. با وجود اینکه در این مدت اقدامات زیادی برای جلوگیری از خشک شدن درختان گردو انجام شد اما باز هم احتمال می‌رود که امسال هم مانند سال گذشته با کاهش برداشت گردو در این شهرستان روبه‌رو باشیم.

طی مدت اخیر اقداماتی برای نجات وضعیت باغات گردوی شهرستان بوئات از این وضعیت انجام شد که می‌توان به اختصاص ۱۰ تراکتور با تانکر آبرسانی سیار، حفر ۱۰ حلقه چاه اضطراری و… اشاره کرد اما باز هم این اقدامات موثر نبود.

در حالی‌که از چند روز قبل فصل برداشت گردو در این شهرستان آغاز شده اما باز هم احتمال می‌رود که وضعیت تولید گردو در این شهرستان



کاهش داشته و حتی کیفیت این محصول هم دستخوش خشکسالی شده است.

فرماندار شهرستان بوئات در این رابطه به مهر گفت: در سال گذشته وضعیت بارش در این شهرستان نسبت به سال‌های قبل بهتر بود اما باز هم شاهد کاهش برداشت گردو در بوئات خواهیم بود.

سجاد میرزایی با بیان اینکه خشکسالی در کیفیت محصول نیز اثر گذاشته، افزود: طی مدت اخیر اقداماتی برای برون‌رفت وضعیت باغ‌های گردو از بحران انجام شد که به عنوان نمونه می‌توان به آموزش باغداران برای تقویت درختان، حفر چاه و… اشاره کرد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر فقط چهارهزار هکتار از باغات در این شهرستان باقی مانده، گفت: قبل از خشکسالی باغات بوئات به ۱۱ هزار هکتار می‌رسید اما در حال حاضر این رقم به چهارهزار هکتار رسیده است.

فرماندار بوئات افزود: هم‌اکنون باغات این شهرستان از ۲۰ تا صددرصد خسارت دیده و خسارت‌های هنگفتی نیز به باغداران وارد شده است. وی خواستار اتخاذ تصمیمی از سوی وزارت جهاد کشاورزی برای نجات باغات این شهرستان شد و تأکید کرد: طی مدت اخیر به دلیل خشکسالی شدید درختان گردوی ۵۰۰ ساله در این شهرستان به طور کامل خشک شده و احتمال اینکه میزان از بین رفتن باغات در سال‌های آینده افزایش یابد نیز وجود دارد.



میرزایی با بیان اینکه ۹۰درصد باغات در بخش مرکزی این شهرستان قرار دارد، گفت: در حال حاضر قنوت در این شهرستان خشک شده و این منطقه یکی از مناطق ممنوعه برای حفر چاه است که در این راستا انتظار می‌رود ادارات مربوط نسبت به دادن مجوز حفر چاه اضطراری باید اقدام کنند.

فرماندار بوئات با تأکید بر اینکه همچنان مشکلات مردم در حوزه کشاورزی در این منطقه پابرجاست، افزود: خشکسالی در کیفیت محصول در این شهرستان تأثیر گذاشته است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود پیرامون واردات گردو از چین گفت: بنده نیز این موضوع را شنیده‌ام که البته شاید برای تنظیم بازار صورت گرفته اما ضروری است که در این حوزه نیز نگاه ویژه‌ای شود.

میرزایی با بیان اینکه خشکسالی بوئات زلزله خاموش است، بیان کرد: برخی از مردم این شهرستان در امرار معاش خود نیز با مشکل روبه‌رو هستند و وضعیت به گونه‌ای است که برخی از این افراد که در گذشته به نیازمندان کمک می‌کردند خودشان در مراکز حمایتی عضو شده‌اند.

فرماندار بوئات یکی از راه‌های برون‌رفت شهرستان از این معضل را صنعتی شدن این شهرستان عنوان کرد و اظهار داشت: در این راستا مدیریت شهرستان برای حمایت از سرمایه‌گذار، آرایه تسهیلات و… آمادگی خود را اعلام می‌کند.

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

سرزمین

پساب شور نیشکر؛ کابوس جدید خوزستان

تخلیه پساب؛ بدون کار مطالعاتی

- سالانه چندین هزار تن نمک وارد کارون می‌شود

نادره وائلیزاده



■ **برخی مسئولان مدعی‌اند شوری پساب واحد شعیبیه مناسب و دارای EC حدود چهارهزار میکروموس است و تأثیری روی کارون ندارد.** آیا این استدلال درست است؟

باید اختلاف شوری را بسنجیم. در کارون به عنوان اکوسیستم آب شیرین موجودات با شوری دوهزار میکروموس انطباق پیدا کرده‌اند و اگر شوری چهارهزار به آن تخلیه شود به آن شوک وارد می‌شود. ضمناً نباید فقط به واحد EC و غلظت توجه کنیم بلکه باید بار آلودگی را هم در نظر بگیریم یعنی حاصل‌ضرب غلظت پساب در دبی آن. مثلاً پساب با شوری چهارهزار میکروموس بر سانی‌تر، شوری تنها یک واحد است و محاسبه نشان می‌دهد پساب‌ها در حجم وسیعی تخلیه می‌شوند (حدود هفت مترمکعب بر ثانیه) که مقادیر زیادی نمک وارد رودخانه می‌کنند. این واحد سالانه چند صد تن نمک وارد کارون می‌کند و این در محیط‌زیست برای ما مهم است. علاوه بر این، بحث با این رودخانه نیست؛ ما نباید محیط‌زیست را فقط رودخانه بدانیم. محیط‌زیست، کل خوزستان است. تخلیه به زمین‌ها هم جزئی از محیط‌زیست استان است.

■ **اما آنها ادعا می‌کنند با ساختن حوضچه‌های تبخیری، مثلاً در اطراف خرمشهر، موضوع را مدیریت می‌کنند؟**

این چیزی که در اراضی شمال‌شرق خرمشهر تحت عنوان تالاب نیشکر یا حوضچه‌های تبخیری با تخلیه پساب نیشکر ایجاد شده، هیچ کدام حوضچه تبخیری نیست، بلکه رهاسازی آب شور در اراضی بدون صاحب است. حوضچه تبخیری تعریف و اصولی علمی دارد؛ باید طراحی و بعد ساخته شود، زیرسازي مناسب داشته باشد و ایزوله شود تا آب شور به زمین نفوذ نکند که اینها انجام نشده است. ماند مناسب و نحوه استفاده از نمک‌های باقیمانده باید تعریف شود. همه اینها نشان می‌دهد حوضچه تبخیری به عنوان راهکار مدیریتی اجرا نشده است. ضمناً این حوضچه‌ها در مزره هم مشکلات امنیتی به وجود آورده است.

■ **یعنی شما معتقد هستید این راهکار حلال به یک تهدید تبدیل شده است؟**
بله، چون اراضی منطقه را عملاً شور کرده‌اند. به دلیل شوری زیاد پساب و تبخیر بالا در اینجا، زمان زمین‌ها، تا ارتفاع حدود ۲۰ سانتی‌متر از بلورهای نمک پوشیده شده است. این دو حوضچه که به وسیله تالاب به یکدیگر پوشده هستند در مجموع ۱۱ هزار هکتار وسعت دارند و دسترسی به حوضچه کوچک‌تر (چهارهزار هکتار) به دلیل مرزی بودن و مسایل امنیتی ممکن نیست.

■ **اگر پساب‌های این دو واحد مدیریت و کار تخلیه در منطقه را متوقف کنند، مشکل حل می‌شود؟**
اصطلاح (post effect) به معنی چاره‌اندیشی برای اثرات بعد از اجرای یک طرح است. مثلاً تصور کنید اگر روزی پساب را مدیریت کردند و تخلیه به حوضچه‌ها متوقف شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ یکی از اتفاقی‌ها این خواهد بود که ما ۱۱ هزار هکتار دریاچه نمک یا زمینی پر از کریستال نمک خواهیم داشت و عملاً همان اتفاقی که در دریاچه ارومیه در حال وقوع است رخ می‌دهد. اگر این دریاچه خشک شود فقط شوره‌زار باقی می‌ماند. این بار نوبت به توفان‌های نمک می‌رسد. همراه با جریان هر بادی که در منطقه می‌وزد، ذرات نمک به شهرها هجوم می‌آورد و فاجعه شکل می‌گیرد و این بار گرد و غبار که از همین زمین‌ها نشأت می‌گیرد با ذرات نمک همراه خواهد شد که مشکل را دوحسب چندان می‌کند.

■ **شرکت توسعه نیشکر مدعی است با تخلیه پساب این دو واحد در اراضی خرمشهر، تالاب و اکوسیستم جدیدی به نام تالاب نیشکر به وجود آورده.** آیا می‌توان این حوضچه‌ها را تالاب نامید؟

تالاب تعریف مشخصی دارد و اینکه گفته می‌شود اطراف این حوضچه‌ها پرند جمع شده و اکوسیستم جدید به وجود آمده، ادعای درستی نیست. مثل این است که شهرداری یک شهر ادعا کند که در محل تخلیه زباله که تعداد زیادی پرند برای تغذیه جمع می‌شوند، اکوسیستم جدید ایجاد شده. اما شهرداری هیچ‌گاه چنین ادعایی نکرده باید بدانیم که این اکوسیستم خوزستان نیست و پساب‌ها اکوسیستم خوزستان را دچار تنش عمده کرده هر نوع تغییر در اکوسیستم طبیعی یک منطقه از نظر زیست‌محیطی مردود است. تغییر باید همراه طبعیت باشد. آب شور مثل این حوضچه‌ها تبخیری هیچ‌گاه درونی طبعیت این منطقه نبوده. آب‌های شور همیشه به سواحل این منطقه محدود می‌شود. تالاب یا رودخانه هم همیشه آب شیرین بوده است.

■ **چون تخلیه پساب در این منطقه به عنوان منبع آب شرب، مردم معترض شدند. بعد از آن تخلیه از رودخانه به تالاب شادگان صورت گرفت.**

■ **معلوم نیست چه کسی برای اولین بار «خوزستان» را «شکرستان» معنی کرد و نوشت «خوز به معنی شکر هم هست.» هرچه هست از این معناسازی دست‌انوازی ساختند و گفتند نیشکر فقط در خوزستان می‌روید و اینجا باید مهد کشت نیشکر و تولید شکر می‌شود. با این پیشینه ذهنی طرح احداث هفت واحد کشت و صنعت و ایجاد ۸۰هزار هکتار مزرعه نیشکر در جنوب خوزستان در دهه ۶۰ طرح‌ریزی شد اما در این طرح نه تنها آثار سوااجتماعی تخریب روستاها بلکه اثرات زیست‌محیطی آن هم دیده نشد.**

تخریب محیط‌زیست هر روز رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرد. این بار و نه به عنوان آخرین مرحله از این روند تخریب، پساب شور این مزارع است که امان رودخانه کارون، تالاب بین‌المللی شادگان، هورالعظیم و اراضی خرمشهر را بریده است. این کشت و صنعت‌ها که ۱۰درصد آلود رودخانه کارون را (حتی در بحران خشکسالی و کم آبی) برای ۲۵ نوبت آبیاری سالانه مطالبه می‌کنند، کابوسی برای منابع آبی و زیستی خوزستان شده‌اند. با مهران افخمی درباره پساب‌های نیشکر و تأثیر آن روی محیط‌زیست خ